

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱ تیر ۱۴۰۱ • ۲۲ ذی‌القعده ۱۴۴۳ • ۲۲ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۰۹ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۲۰:۴۵
اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

شترت

دیالوگ روز

خانه‌ای روی آب – بهمن فرمان‌آرا - ۱۳۸۰

پدر دکتر سیدبخت (عزت‌الله انتظامی):

اون روزی که من دیلمو گرفتم که البته ارزش اون دیلم با لیسانس و فوق‌لیسانس الان قابل مقایسه نیست، بابام منو صدا کرد و گفت: حسین! کفتم: بله آقا جان؟ گفت: تو از امروز مستقلی، میدونی استقلال یعنی چی؟ گفتم: نه آقا جان. گفت: یعنی از امشب تو این خونه فقط می‌خوابی…

● **برنج‌کاری یکی از شغل‌های اصلی و منبع درآمد کشاورزان شهرستان مبارکه اصفهان که چند سالی به دلیل خشکسالی و نبود آب در رودخانه زاینده‌رود دستخوش تغییراتی شده است. عکس: مرئضی صالحی /اُسنیم**

آغاز توقیف فیلم‌ها یا ریل‌گذاری جدید

برادران لیلا اولین توقیفی رسمی دولت سیزدهم



کیسو فغفوری: از ۲۵ مرداد ۱۴۰۰ تا زمانی که در حیاط هیئت دولت دستور توقیف یک فیلم صادر شود، مدت زمان زیادی در سکوت گذشت. محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در برنامه ۸۳صفحه‌ای خود در تشریح وضعیت سینما، «تولید فیلم‌های ضدارزش، غیرانقلابی و غیراخلاقی با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» و «اثرگذاری زیاد جشنواره‌های خارجی بر تولیدات سینمای داخلی»، «عدم اتخاذ موضع شفاف و برخورد در برابر فعالیت محکومان امنیتی و چهره‌های سینمایی همسو با اهداف دشمنان» و همچنین خانه سینما را فاقد وجاهت قانونی دانسته بود. هرچند این برنامه به‌شدت با اعتراض سینماگران روبه‌رو شد و ۲۴ صنف خانه سینما در فاصله کمتر از ۴۸ ساعت بیانیه‌ای مشترک نوشتند و درخواست کردند «اگر قصدتان تعطیلی حرفه سینماست، لطفا تعارف را کنار بگذارید، اگر نه حتی در شرایطی که طالبان در بساط تازه به‌راه‌افتاده همسایگی‌مان، ندای روداری و تساهل راه انداخته‌اند، جنابعالی هنوز از راه نرسیده، اکثریت محصولات سینمایی را باطل دانسته و به تبع آن سازندگان و دست‌اندرکاران این عرصه را به بدخواهان و مفسدان و کفار فرهنگی تشبیه کرده‌اید که عزمی جز ترویج اباحه‌گری و فساد و بی‌اخلاقی ندارند. شما پیش از جلوس بر تخت وزارت، به زعم خود «اشداء علی الکفار» خوانده‌اید و تیغ‌تان را به سمت هنرمندان مظلومی که با تمامی مشقت‌ها و تحت سیطره همین گونه مدیریت‌ها، سال‌هاست به فعالیت خود ادامه می‌دهند، نشانانه گرفتید؛ این چه معنایی جز قلع و قمع و حذف فرهنگی و هنری می‌تواند داشته باشد؟». هرچند اسماعیلی در دیداری که با نمایندگان صنوف داشت، به صراحت اعلام کرد برنامه پیشنهادی، حاصل جمع‌بندی برخی از مشاورانش بوده و دیدگاه‌های او نیست.

اولین توقیف

از آن رویارویی با اهالی سینما تاکنون به نظر می‌رسید فضای هنر و سینما با فراز و نشیب‌هایی همراه بود تا اینکه در ۱۱ خرداد و در حیاط هیئت دولت، وزیر فرهنگ و ارشاد در پاسخ به این پرسش که قطعا فیلم «برادران لیلا» کران نخواهد شد؟ گفت: «طبق روال قانونی ان‌شاءالله عمل می‌شود. ممکن است تبصره یا ماده‌ای وجود داشته باشد و بتواند مشمول آن شود، اما من به دوستان در سازمان سینمایی گفتم مُر رعایت نکنند». طی این مدت خبرهای جسته‌وگریخته‌ای منتشر می‌شد که این فیلم توقیف است و حتی تهیه‌کننده آن درخواست کرد اگر بازیگران فیلم ممنوع‌الکار شده‌اند و فیلم توقیف شده، اطلاع‌رسانی شود. کمی بعدتر سازمان سینمایی اعلام کرد مسئولیت کران

نقد هفته

پروفورهای پو(شا)لی



امیرعربی

چشم‌پزشک

در درمانگاهی افتخار می‌دهد و چند بیمار را ویزیت می‌کند و نهایتا درحالی‌که مردم از در و دیوار بیمارستان و هتل و درمانگاه محل اقامتش بالا می‌روند تا پروفوسور را ببینند یا پروفوسور آنها را ویزیت کند، با قلبی آکنده از عشق به ایران و ایرانی کشور را ترک می‌کند. چند جمله‌ای هم که در این مدت بر زبان آورده در گیومه قرار می‌گیرد و در کانال‌ها و شبکه‌ها بازنشر می‌شود که دکتر فلائی گفته فلان کنید و دکتر بهمانی گفته بهمان کنید. البته خود این پزشکان در برپایی این بازی رسانه‌ای و این جایگاه پوشالی تقصیری ندارند و در صحبت‌های‌شان صداقت در این زمینه موج می‌زند؛ کمااینکه در آخرین سفری یکی از همین خیلی پروفوسورها، هرچه آقای مجری مکالمه را به سمت ایران و درمان و افتخار و پشتکار و شب‌بیداری می‌برد، پزشک بینوا از خاطرانش با پسرانش در آفریقا و آلمان می‌گفت و یادش نمی‌آمد دقیقا چه کار بزرگی برای بیماران ایرانی کرده‌است؛ پس روی سخن این متن بیشتر با مردم و رسانه‌هاست، تا با خود این پزشکان. گذشته این پزشکانش می‌توان همین حالا در زندگی بعضی عزیزان جست‌وجو کرد. خاطرم هست در دوره تحصیل، عده‌ای با جیب پر و با پشتخانه خانواده متمول و اندکی کنده‌کنده وارد دانشگاه می‌شدند؛ درحالی‌که به شکل معنادار از همکلاسی‌های کنکوری و شهرستانی و کارگرزاده و کارمندزاده و معلم‌زاده خود ضعیف‌تر بودند. ۷-۸ سالی را به عیش و نوش در دانشگاه می‌گذراندند و نهایتا درحالی‌که با سلام و صلوات واحداها را پاس می‌کردند، یکباره روز روز پس از پایان دوره تحصیل سر از کشورهای آمریکایی و اروپایی درمی‌آوردند. و مملکت و مردم را می‌سپردند به دست همان کارمندزاده‌ها و معلم‌زاده‌های درس‌خوان‌تر. صرفا جهت اطلاع عرض می‌کنم که از چهار نفر اول (از نظر معدل) ورودی ما در دانشگاه یکی در تهران، دیگری در یزد، آن یکی در کرمان و نهایتا نفر چهارم در زاهدان مشغول کار طبابت است؛ درحالی‌که اشرف‌زاده‌های ورودی که با صعوبت واحدها را پاس کردند، الان در مایوکلینیک و هاروارد مشغول خدمت به خلق‌الله هستند. آیا می‌دانستید همین عزیزان ۲۰ سال دیگر در قامت آقای پروفوسور وارد کشور می‌شوند و با لهجه ایرانی-آمریکایی از دستاوردهای جهانی خود می‌گویند و صحبت‌هایشان توسط مردم دست به دست می‌چرخد و آرزوی دیدارشان تا ابد با بیماران می‌ماند؛ درحالی‌که در این سال‌ها دردهای‌شان توسط پزشکان باسوادتر ولی گمنام‌تری درمان شده است؟!



● **برنج‌کاری یکی از شغل‌های اصلی و منبع درآمد کشاورزان شهرستان مبارکه اصفهان که چند سالی به دلیل خشکسالی و نبود آب در رودخانه زاینده‌رود دستخوش تغییراتی شده است. عکس: مرئضی صالحی /اُسنیم**

● **برنج‌کاری یکی از شغل‌های اصلی و منبع درآمد کشاورزان شهرستان مبارکه اصفهان که چند سالی به دلیل خشکسالی و نبود آب در رودخانه زاینده‌رود دستخوش تغییراتی شده است. عکس: مرئضی صالحی /اُسنیم**

● **برنج‌کاری یکی از شغل‌های اصلی و منبع درآمد کشاورزان شهرستان مبارکه اصفهان که چند سالی به دلیل خشکسالی و نبود آب در رودخانه زاینده‌رود دستخوش تغییراتی شده است. عکس: مرئضی صالحی /اُسنیم**

● **برنج‌کاری یکی از شغل‌های اصلی و منبع درآمد کشاورزان شهرستان مبارکه اصفهان که چند سالی به دلیل خشکسالی و نبود آب در رودخانه زاینده‌رود دستخوش تغییراتی شده است. عکس: مرئضی صالحی /اُسنیم**

● **برنج‌کاری یکی از شغل‌های اصلی و منبع درآمد کشاورزان شهرستان مبارکه اصفهان که چند سالی به دلیل خشکسالی و نبود آب در رودخانه زاینده‌رود دستخوش تغییراتی شده است. عکس: مرئضی صالحی /اُسنیم**

● **برنج‌کاری یکی از شغل‌های اصلی و منبع درآمد کشاورزان شهرستان مبارکه اصفهان که چند سالی به دلیل خشکسالی و نبود آب در رودخانه زاینده‌رود دستخوش تغییراتی شده است. عکس: مرئضی صالحی /اُسنیم**

اصل «قانون‌گرایی، استانداردسازی و عدالت‌محوری» و به دلیل تخلفات آگاهانه و رفتار مغایر با قوانین و مقرراتی چون: شرکت در جشنواره‌های خارجی بدون عبور از مجرای قانونی و اخذ پروانه نمایش، سرپیچی از مقررات و اصرار بر ارائه نسخه اصلاح‌نشده به رغم تعهدات صورت‌گرفته و استمرار بر تخلف و مداومت بر آن حتی بعد از جشنواره کن و شرکت در جشنواره مونپخ و در نهایت اعلام رسمی کارگردان محترم مبنی بر عدم پذیرش اصلاح فیلم، این فیلم تا اطلاع ثانوی و تا رفع موانع ایجادشده، صلاحیت اخذ پروانه نمایش را نخواهد داشت».

ریل‌گذاری جدید

به نظر می‌رسد این توقیف آغاز تغییر ریل در سینمایی ایران است. هرچند سینماگران با این تغییر ریل‌ها در زمان دولت دوم احمدی‌نژاد آشنا بودند و وزیر دولت سیزدهم نیز با همین کلمات از تغییرات جدید خبر داد و در جدیدترین جلسه شورای هنر که در محل دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار شد، ضمن ارائه گزارشی از وضعیت حوزه سینما گفت: «هم‌زمان با آغاز به کار وزارت ارشاد در دولت جدید، نسبت به تغییر ریل‌گذاری حوزه سینما اقدام کردیم و با تشکیل کمیته‌ای چندجانبه، سعی در سروسمان‌دادن به اوضاع پرچم کران داشته‌ایم، زیرا با بازگشایی مجدد سینماها که به‌خاطر محدودیت‌های کرونایی تعطیل بود، سازمان سینمایی با حدود ۲۰۰ فیلم سینمایی در انتظار نوبت کران مواجه بود و اقدامات کمیته چندجانبه در ساماندهی اوضاع کمک بسیاری کرد».

واکنش کارگردان

سعید روستایی، کارگردان این فیلم، با انتشار پستی در صفحه کاربری خود در اینستاگرام به این موضوع واکنش نشان داد و نوشت: «برادران لیلا را با خون دل ساختم، با جگر سوخته، برای ساختش تمام روحم زخمی شد! لطفا بیش از این نسوزانیدم!» و در کپشن اضافه کرد: «تحقیر و تهدید را تمام کنید لطفا!».

یادبود

داغی که هنوز تازه است

آن به هیئت پنج‌نفره کارشناسی ارجاع داده شد و نظر هر هیئت مبین تقصیر راننده بود. متعاقبا با جلب دادرسی و کیفرخواست، این پرونده به دادگاه کیفری دو ارسال خواهد شد و حکم قانونی صادر می‌شود.

ستایشی درخصوص مسئولیت مسئولان محیط‌زستی گفت: درخصوص این افراد، قرار منع تعقیب صادر شده است. سخنگوی قوه قضائیه مجددا یادآور شد: برای اشخاص دیگری که در حوزه محیط زیست و دریاچه مسئولیتی داشتند که در پرونده بوده است، مسئولیتی دیده و احراز نشده و برای آنها قرار منع تعقیب صادر شده است.

همچنین زینب رحیمی گزارشی ویدئویی در عصر ایران از این داغ بزرگ منتشر کرده است که در آن به رنج این یک

سال خانواده‌ها اشاره کرده. طبق این گزارش، خانواده مهشاد و ریحانه از روند رسیدگی به پرونده انوبوس خبرنگاران رضایتی ندارند. آنها تأکید دارند که سازمان محیط زیست و ستاد احیای دریاچه ارومیه و به‌ویژه مسئولان برگزاری سفر خبرنگاران به ارومیه را در این سانحه مقصر می‌دانند. آنها بر این باورند که تاکنون سعی شده تنها راننده انوبوس به‌عنوان مقصر واژگونی انوبوس شناخته شود، درحالی‌که برگزارکنندگان سفر ارومیه در واژگونی انوبوس مقصر هستند.

مهشاد کریمی، خبرنگار ایسنا، شب حادثه مشغول نوشتن کارت عروسی خود بود که چند روز دیگر برگزار می‌شد و هنگام تصادف خواب بود. ریحانه یاسینی نیز به‌تازگی ازدواج کرده بود. هر دو آنها از خبرنگاران پرتلاش حوزه محیط زیست بودند. کشته‌شدن این دو غم بسیار بزرگی بود که هنوز بر دل بسیاری از اهالی فرهنگ و رسانه قرار دارد.



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

شهرداری تهران به مناسب ۳۱ خرداد سالگرد شهادت دکتر مصطفی چمران پلاکاردهایی را در سطح شهر نصب کرده‌است که این عبارت در آن جلب توجه می‌کند: «آن که تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی‌تقواست». این حرف و حدیث‌ها تازگی ندارد و از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و در گزینش و انتخاب افراد برای سمت‌های کلیدی، همواره موضوع بحث و مجادله بوده‌است. در دنیا هم برای انتخاب افراد به سمت‌های سیاسی، اداری، دانشگاهی و… شرایطی وجود دارد؛ اما نکته میزان دخالت افکار و اعتقادات شخص در انتخاب/عدم‌انتخاب اوست. آیا مجازیم فردی را به صرف داشتن دیدگاه خاصی از سمتی که شایستگی آن را دارد، محروم کنیم؟ اصل بیست‌وسوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تکلیف را روشن کرده است: «قتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد». جالب اینکه در مواردی دیدگاه خاصی نیز ابراز شده و فقط به صرف داشتن پیشینه‌ای، افراد برای استفاده از تخصص‌شان دچار محرومیت شده‌اند. برای نمونه در محدودیت از قوانین

انتخاباتی نقل می‌شود. مطابق بند ۱۰ ماده ۳۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی «وابستگی به رژیم سابق از قبیل اعضای انجمن‌های شهر و شهرستان و وابستگی به تشکیلات فراماسونری و هیئت‌رئیس کانون‌های حزب رستاخیز و حزب ایران‌نوین و اعضای فعال آنها، نمایندگان مجلسین تشکیلات فراماسونری و مأموران ساواک مناقشه‌ای نداریم، اما رواست که همه نمایندگان پیشین مجلس شورای ملی و سنا را با اعضای ساواک و فراماسونری یکسان فرض کنیم؟ کافی است نگاهی به فهرست برخی بزرگان بیندازیم که در دوران گذشته سمت نمایندگی در مجلسین را بر عهده داشته‌اند؛ آیت‌الله سیدحسن مدرس، حجت‌الاسلام حسینعلی راشد، دکتر محمد مصدق، پروفوسر محمود حسایی و… فرض بگیریم این اسامی که نام برده شد، اکنون از نعمت حیات برخوردار بودند؛ آیا ایشان که در اعتقادات مذهبی و میهنی آنان تردیدی نیست، باید از نامزدی برای نمایندگی در مجلس شورای اسلامی محروم می‌شدند؟ مورد دیگر در ماده ۳۳ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران آمده است: «بر اساس بند «ک» این ماده «وابستگی به رژیم گذشته از قبیل اعضای انجمن‌های ده، شهر، شهرستان و استان و خانه‌های انصاف، رؤسای کانون‌های حزب رستاخیز و حزب ایران نوین و نمایندگان مجلس‌های سنا و شورای ملی سابق، کدخدایان و خواین وابسته به رژیم گذشته» از داوطلب‌شدن برای عضویت در شوراها محروم هستند؛ یعنی سیدحسن مدرس که عکس او در بالای صحن علی‌ن مجلس شورای اسلامی نصب شده است، نمی‌تواند عضو شورای روستا شود!

درناکت‌تر از همه محروم‌شدن استادان از تدریس است. گفتن از جایگاه شادروان استاد ناصر کاتوزیان برای کسانی که حقوق خوانده‌اند، ضرورت ندارد. ایشان برسه‌سته‌ترین شخصیت دانشگاهی رشته حقوق در چند دهه اخیر در داخل کشور بودند که پس از انقلاب فرهنگی با پنهان مخالفت با لایحه قصاص (نه خود قصاص که حکم شرعی است، بلکه نقد لایحه قصاص که ساخته دست بشر است و در سال‌های اخیر متن اولیه با بازنگری در قانون مجازات اسلامی دستخوش تغییراتی شد) از دانشگاه تهران اخراج و نزدیک یک دهه خانه‌نشین شد. این را بگذارد در کنار اشتغال به تدریس فردی در دانشکده حقوق که مدعی دانش‌آموختگی در مقطع دکتری از داشگاه آکسفورد بود و بعد مشخص شد تحصیلات واقعی وی بسیار کمتر و غیرمربط است.

آخرین سراج مثال، شادروان استاد احمد مهدوی‌دامغانی است. ایشان دارای عالی‌ترین درجات علمی از حوزه علمیه مشهد و دانشگاه تهران بودند. به دلیل محدودیت‌های پیش‌آمده، در سال ۱۳۶۶ به آمریکا مهاجرت کردند و در دانشگاه هاروارد که در صدر فهرست ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان قرار دارد، به تدریس ادبیات فارسی، ادبیات عرب و علوم اسلامی در مقاطع دکتری و رسناکتوری اشتغال داشتند. در دبستگی وی به فرهنگ ایرانی و اسلامی کمترین تردیدی نیست و محتوا و شخصیت کارکنندگان پیام‌های تسلیت شاهین می‌مدعاست. اگر نبود برنامه «شوکران» که در سال۱۳۸۸ از شبکه ۴ سیما پخش شد (البته پس از چندی متوقف شد) نگارنده نیز اطلاع زیادی از وی نداشت. کسانی که این برنامه را ندیده‌اند، فیلم ابراز ارادت ایشان به امام رضا در شبکه‌های اجتماعی موجود است. محروم‌کردن چنددهه‌ای دانشگاه‌های کشور از چنین استادانی گناهی ناچشودنی است. اینکه شب و روز به دنبال وصول پول‌های توقیف‌شده منابع تحت‌الارضی (نفث و گاز) باشیم اما نسبت به منابع فوق‌الارضی (نیروی انسانی) این‌چنین کفران نعمت کنیم، روا نیست. البته هنوز نادری مانند دکتر سیدحسن نصر از نعمت حیات برخوردارند که تا دیر نشده می‌توان آنها را به دامن میهن بازگرداند.